

## غیرقابل ترمیم بودن شکست اسرائیل به روایت سرلشکر لبنانی

### امین حطیط

رهبر معظم انقلاب در دو سخنرانی مهم اخیر با تشریح مسائل فلسطین و تحولات رخ داده در آن طی هشتاد سال گذشته، بر این نکته صحنه گذاشتند که مقاومت فلسطین در حال حاضر به نقطه‌ای رسیده است که شکستی غیرقابل ترمیم را به رژیم اشغالگر قدس وارد نموده است.

در این قضیه‌ی پانزدهم مهر به این طرف، رژیم «ایشان در دانشگاه افسری امام علی علیه‌السلام فرمودند غاصب صهیونیستی، هم از لحاظ نظامی، هم از لحاظ اطلاعاتی، یک شکست غیر قابل ترمیم خورده؛ شکست را همه گفتند، تأکید من به «غیر قابل ترمیم بودن» است. من میگویم این زلزله‌ی ویرانگر توانسته است بعضی از سازه‌های اصلی حاکمیت رژیم غاصب را ویران کند که تجدید بنای آن سازه‌ها به این آسانی امکان‌پذیر نیست. بعید است که رژیم غاصب صهیونیستی با همه‌ی های‌وهویی که میکند، با همه‌ی حمایت‌هایی که امروز در دنیا از سوی غربی‌ها از او میشود، بتواند آن سازه‌ها را ترمیم کند. من عرض میکنم از شنبه‌ی پانزدهم مهر، رژیم صهیونیستی [دیگر] رژیم صهیونیستی قبلی نیست و ضربه‌ای که خورده است به این آسانی قابل جبران نیست» [۱۸/۰۷/۱۴۰۲](#) نیست

با سرلشکر امین حطیط کارشناس و [در گفت‌وگویی](#) [KHAMENEI.IR](#) به همین مناسبت رسانه عربی [تحلیلگر مسائل نظامی و عضو سابق ارتش لبنان](#)، به صورت اجمالی دلایل و عوامل شکست غیرقابل ترمیم اسرائیل را مورد تحلیل و بررسی قرار داده که ترجمه فارسی آن به شرح زیر منتشر می‌شود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی روز سه‌شنبه خود تأکید کردند: «رژیم غاصب صهیونیستی، هم از لحاظ نظامی، هم از لحاظ اطلاعاتی، یک شکست غیر قابل ترمیم خورده». این اتفاق در حالی رخ داد که صهیونیست‌ها همواره به توانایی خود در عرصه نظامی و اطلاعاتی می‌بالیدند. دلایل و عواملی که این شکست نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی را به شکستی غیر قابل ترمیم تبدیل کرد چیست؟

طوفان الاقصی یک عملیات نظامی بی‌سابقه و بی‌نظیر است که مقاومت اسلامی در منطقه غزه انجام داد. این عملیات یک شکست راهبردی نظامی و امنیتی به دشمن صهیونیستی وارد کرد که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آن را شکستی غیر قابل ترمیم توصیف کردند. در واقع ترمیم این شکست به دلایل متعدد دشوار است.

اولین نکته ماهیت این شکست است. این شکست به سه دلیل عمده بر دشمن وارد شد. دلیل اول از بین رفتن روحیه و کاهش انگیزه جنگ میان سربازان صهیونیست است. این اراده جنگی ناشی از انگیزه های مادی نیست، بلکه ناشی از موضوع اخلاقی و عقیدتی و خودباوری است. اسرائیل اخیرا وارد مرحله شکاف و عقب ماندگی انگیزه ای شده و شاهد ما بر این امر اتفاقی است که در سطح ارتش در حال رخ دادن است، زیرا بسیاری از داوطلبان به مراکز آموزشی خود نمی پیوندند. گفته می شود نیروهای چتر باز از نظر انگیزه آمادگی عملیات در پشت خطوط را ندارند و نیروهای پیاده نظام اراده و روحیه جنگیدن را ندارند.

این موضوع یعنی کاهش انگیزه جنگ و از بین رفتن روحیه در یک یا دو روز قابل ترمیم نیست زیرا ماهیت آن مستلزم یک ترمیم ریشه ای است و این موضوع است که بعد از آشکار شدن وضعیت اسرائیل امکان پذیر نیست. دوم، توهم ساختاری: درست است که اسرائیل استحکاماتی ایجاد کرده و تجهیزات بزرگی را جمع آوری کرده است اما خود را از شر حمله ای که علیه آن انجام می شود محافظت کند، اما ثابت شد که این استحکامات در تأمین امنیت یا جلوگیری از حمله ناتوان هستند و دشمن آنها توانایی غلبه بر این امکانات را دارد، بنابراین علاوه بر فروپاشی روحیه غیر قابل ترمیم، ضعف ساختاری جبران ناپذیر نیز وجود دارد است، زیرا اسرائیل تمام استحکامات خود را برای مقابله با تهدید حمله انجام داده است، اما هیچ فایده ای نداشته است. سوم موضوع اسرائیل همواره با جنگ پیش دستانه از خطر دوری کرده است، اما امروز .پیشدستی و جنگ پیش دستانه است شرایط عمومی منطقه و حضور محور مقاومت با آمادگی و کارآمدی، اسرائیل را از دستیابی به اهداف جنگ پیش دستانه باز می دارد و حتی مانع از یک جنگ پیشگیرانه می شود. این یک نکته منفی اساسی است برای طرف بنابراین ما می گوئیم این شکست در نتیجه کاهش انگیزه، عقب ماندگی ساختاری و ناتوانی .اسرائیلی است تشکیلاتی به وجود آمده است. این شکست از یک شکست تصادفی به شکستی استراتژیک تبدیل شد که قابل ترمیم نیست. بر این اساس می توان اینطور عملیات طوفان الاقصی را یک الگوی ملموس در نظر گرفت که بر اساس آن می توان جنگ نهایی و همه جانبه ای را که اسرائیل را ریشه کن می کند، طراحی کرد.

علاوه بر آنچه ذکر کردم، در زمینه اطلاعات، اسرائیل به سایر ملت ها می بالید که دارای اطلاعات قدرتمندی است که حتی پشت اتاق های بسته نیز همه چیز را می داند، معلوم شد که این سازمان ها، سازمان های کشتار هستند و نه اطلاعات. در سال ۱۹۷۳ یک شکست اطلاعاتی اتفاق افتاد و اطلاعات اسرائیل قادر به پیش بینی جنگ نبود. در سال ۲۰۰۶ نیز با وجود تمام کارهایی که اسرائیل برای ترمیم توانمندی های خود انجام داده بود، همان شکست تکرار شد و معلوم شد اسرائیل از نظر اطلاعاتی ناتوان است و کمیته وینکورا در این ناتوانی را تایید کرد. شکستی وحشتناک به اسرائیل تحمیل شد و مهمترین دلیل این امر شکست اطلاعاتی بود. این شکست امروز در سال ۲۰۲۳ یعنی بعد از پنجاه سال تکرار می شود. این شکست تبدیل به عادت تکراری برای

سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل شده است، اگر اسرائیل می‌توانست این شکست را ترمیم کند، این کار را انجام می‌داد، اما گذشت پنجاه سال از شکست بدون ترمیم موید این است که این شکست یک شکست ساختاری و ریشه‌ای ثابت است و قابل ترمیم نیست.

در زمینه نظامی، غرب بهترین تسلیحات و مهمات زرادخانه‌های خود را به اسرائیل داده بود و به بهترین فناوری‌های الکترونیکی مجهز شده بود، اما معلوم شد که اگرچه از نظر فنی و تکنولوژی به بالاترین حد رسیده است، اما اینها مانع از شکست اسرائیل نشدند. همچنین در این باره می‌توان گفت که این حفره قابل ترمیم نیست زیرا همه تلاش‌ها صرف آن شده و نتیجه مطلوبی به همراه نداشته است.

**با توجه به حجم و گستردگی عملیات طوفان الاقصی و ضرباتی که رژیم صهیونیستی در این عملیات متحمل شد، بدیهی است که وضعیت این رژیم پس از تاریخ هفتم اکتبر با پیش از آن متفاوت خواهد بود. به نظر شما، رژیم صهیونیستی امروز چه تفاوتی با دوره پیش از طوفان الاقصی دارد؟**

می‌توان گفت که عملیات طوفان الاقصی در شکل و نتایج خود، چشم‌انداز منطقه را نه تنها در مجاورت اسرائیل، بلکه در کل منطقه غرب آسیا و خاورمیانه تغییر داد. این روند به پروژه‌های بزرگ از جمله پروژه‌های ادغام اسرائیل در منطقه، پروژه‌های عادی‌سازی، پروژه‌های ایجاد اتحاد علیه ایران و پروژه‌های اسرائیل و آمریکا برای هدایت اقتصادهای منطقه از طریق کریدور اقتصادی هند به اروپا پایان داد. همه این پروژه‌ها تحت تأثیر این روند منفی قرار گرفتند و منافع اسرائیل محدود شد. اسرائیل به جای تمرکز بر چگونگی گسترش، گسترش نفوذ و کنترل امنیتی، نظامی، اقتصادی و سیاسی منطقه و تلاش برای رهبری منطقه‌ای که آمریکا می‌خواهد آن را به مستعمره خود تبدیل کند، منافعش از گسترش به حفظ موجودیت تغییر کرد. بنابراین، این روند اسرائیل را به نقطه اول و سال ۱۹۴۸ بازگرداند، یعنی زمانی که فلسطین را غصب کرد.

اما یک تفاوت وجود دارد، در سال ۱۹۴۸ اگرچه مخالفت سیاسی وجود داشت اما هیچ نیروی نظامی در مقابل اسرائیل وجود نداشت که موجودیت آن را مانند امروز تهدید کند. اما اکنون نیروی نظامی موثر در برابر اسرائیل وجود دارد. اگر اسرائیل نتوانست در مقابل یک جناح و یک بخش محور مقاومت ایستادگی کند، پس اگر تمام بخش‌های محور مقاومت مداخله کنند چه می‌شود؟ در اینجا به یاد سخنان امام راحل رضوان الله تعالی علیه می‌افتم که فرمودند: «اگر هر مسلمانی یک سطل آب به سوی اسرائیل می‌انداخت، اسرائیل غرق می‌شد». امروز محور مقاومت یک سطل آب نمی‌اندازد بلکه موشک و گلوله و مواد منفجره می‌اندازد که برای از بین بردن اسرائیل کافی است. به طور قطعی، منطقی و علمی می‌توان گفت که عملیات طوفان الاقصی الگوی ملموس جنگی همه جانبه‌ای است که به حضور اسرائیل در منطقه پایان می‌دهد و این غده سرطانی را ریشه کن

می‌کند. حتی می‌توان گفت که اسرائیل ممکن است درس عبرت بگیرد و ممکن است نیازی به یک جنگ همه جانبه نداشته باشد، بلکه از طریق فروپاشی روحیه و انگیزه سقوط کند و به وجود خود پایان دهد زیرا از رویارویی می‌ترسد. این یک موضوع قطعی است. آنچه در ۷ اکتبر اتفاق افتاد این اعتقاد راسخ مذهبی مبنی بر موقتی بودن اسرائیل را تایید کرد و امروز این موجودیت را می‌توان از این پس به عنوان موجودی در حال زوال توصیف کرد ان شاءالله